حیات‌نامه فکری و سیاسی علامه محمدتقی مصباح یزدی
از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی(۱۳۵۷-۱۳۱۳) - ۹۴

موضع‌گیری در برابر گروهک فرقان و جریان حبیب‌الله آشوری

دکتر سهراب مقدمی شهیدانی

آیت‌الله مصباح در مورد گروه فرقان می‌گوید: «نمود و بروز گروه فرقان در اوایل پیروزی انقلاب بود. قبل از آن چیزی به حساب نمی‌آمدند و چند جوان کج سلیقه تلقی می‌شدند. این‌طور نبود که قابل اعتنا باشند. در بسیاری از جاها چند نفر گرایش‌هایی به آنها پیدا کردند ولی رهبری متمرکزی وجود نداشت....رهبر گروه فرقان هم همین‌طور بود [مغرور بود]. او فرد با استعدادی بود و به یک خانواده فقیر و مذهبی تعلق داشت. او همراه با درس‌های طلبگی که خیلی هم طول نکشید، به مطالعه کتاب‌های روشنفکران روی آورد و سخت تحت تأثیر قرار گرفت و تزِ «اسلام منهای روحانیت» را که بعداً خودشان پرچمدارش شدند از نویسنده دیگری اخذ کردند. مطالعات او هم روی همان کتاب‌ها بود و سخنرانی‌هایی هم که می‌کرد، ترجمانی از همان کتاب‌ها بود. تفسیرهایی هم که برای قرآن می‌گفت و می‌نوشت، برگرفته از همان تفسیر سمبلیک قرآن بود، که از فرانسه به ارمغان آورده شده بود. فردی که این نگاه را از فرانسه آورد، در تفسیرهابیل و قابیل در قرآن گفته بود: «هدیه قابیل پذیرفته نشد، چون سرمایه‌دار بود! و خوشه‌های گندم‌هابیل پذیرفته شد، چون کشاورز زحمتکشی بود!» سپس می‌گوید: «من مانده بودم این کلاغ سیاه در این قصه چه کاره است؟ بعد متوجه شدم که آن کلاغ سیاه، آخوند است!» و این آقا شد الگوی تفسیر سمبلیک قرآن! و این نوع نگاه و تفسیر منتقل شد به آقای گودرزی که سواد کم و غرور زیاد داشت و شرایط مساعد اجتماعی هم در او این پرسش را برانگیخت که ما چرا فقط برای داستان‌هابیل و قابیل این کار را بکنیم؟ می‌شود همه قرآن را این‌طور تفسیر کرد!... مرحوم آقای مطهری به عنوان یک اسلام‌شناس واقعی، می‌دانست که اگر تفسیر سمبلیک مطرح شود و جا بیفتد، بزرگ‌ترین خطری است که اسلام را تهدید می‌کند و قرائت‌های مختلف و من درآوردی از قرآن را به همراه خواهد داشت و از آن پس، هر حرفی بزنید، جواب خواهند داد این قرائت شماست، ما قرائت دیگری داریم! و دیگر چیزی که بشود به آن استناد کرد، باقی نمی‌ماند. چه خطری بالاتر از این برای دین وجود دارد؟ این خطرات را امثال آقای مطهری درک می‌کردند. دیگران و امثال بنده چه می‌فهمیدیم؟ دیگران می‌گفتند حالا یک طلبه‌ای یک حرفی زده و یک اشتباهی کرده، حرفش ارزشی ندارد؛ ولی آقای مطهری می‌دانست که این حرف‌ها چه پتانسیلی دارد و چگونه به سرعت رواج پیدا می‌کند؛ مخصوصاً آن‌که پدیده‌ای مثل پروتستانتیسم در اروپا تلقی می‌شدند. ایشان می‌دانست این‌ها حرف یک طلبه و صحبت از یک جزوه پلی کپی شده نیست و می‌تواند مثل یک بیماری مسری، مراکز دانشگاهی و حتی مراکز حوزوی را آلوده کند و ما شاهد بودیم با همه ضعفی که این‌ها داشتند، چه زمینه‌هایی را فراهم کردند و منشأ چه فسادهای عجیبی شدند.

گودرزی در تهران و آشوری در مشهد چه فسادهایی که به بار نیاوردند. خانه‌های تیمی کذایی، ازدواج‌های دسته جمعی، آن هم به استناد قرآن! آشوری رفته بود به شاهرود و عده‌ای پسر و دختر را دسته جمعی عقد کرده بود. آنها گفته بودند ما چنین چیزی را ندیده و نشنیده‌ایم، گفته بود قرآن گفته «نسائکم!» یعنی این زنان برای مجموع شما هستند! هر مرد و زنی در این تیم می‌توانستند با هم زندگی کنند و آشوری آنها را بر اساس همان تفاسیر سمبلیک می‌گفت. او حتی در کتاب «توحید» نوشت: «ماتریالیسم فلسفی اشکالی ندارد، مخصوصاً آنجا که زایا باشد! آن چیزی که ما با آن مخالفیم، ماتریالیسم اخلاقی است، یعنی این‌که عده‌ای دنبال پول باشند و الا ماتریالیسم فلسفی که می‌گوید خدایی نیست، اشکالی ندارد!» و همین‌ها را بر اساس قرآن تفسیر می‌کرد که می‌توانید حساب کنید چه چیزی از کار در می‌آید. این خطر را امثال آقای مطهری درک می‌کردند. ایشان می‌دانست که این درخت از ریشه فاسد است. تشخیص این‌که فساد مربوط به ریشه است یا برگ یا شاخه، کارِ امثال آقای مطهری است. ایشان در این زمینه کاملاً تنها ماندند و حتی دوستان نزدیک‌شان هم ایشان را ملامت می‌کردند که چرا این قدر حساسیت به خرج می‌دهید؟ یک نفر بوده یک اشتباهی کرده. اشتباه در عالم زیاد است! گذشت روزگار صحت سخنان این بزرگوار را اثبات کرد و از اولین قربانی‌ها هم خود ایشان بودند، بعد هم دیگران و تا امروز هم چه مفاسدی که به بار نیاورده. اگر شهادت آقای مطهری نبود، بسیار گسترش پیدا می‌کردند. خون آقای مطهری بود که باعث شد شناخته شوند و جلوی گسترش افکارشان گرفته شود. آن‌طور که خاطرم هست، بنده در مدرسه منتظریه، هم معلم بودم و تفسیر و فلسفه می‌گفتم و هم عضو شورای مدیریت مدرسه بودم. مرحوم آقای بهشتی بودند و مرحوم آقای قدوسی و آقای جنتی و بنده. تفکرات انقلابی طبعاً در میان طلاب مدرسه رواج داشت و من هم در مبارزه با شاه و دستگاه با آنها شریک بودم و دشمن مشترک همه بود؛ منتها بسیاری از طلبه‌های جوان هم تحت تأثیر افکار التقاطی قرار می‌گرفتند. تعدادی از آنها رسماً به دام مجاهدین افتادند که بعضی از آنها هنوز هم در خارج از کشور هستند. بعضی‌ها کشته یا اعدام شدند؛ بعضی‌ها هم تغییر قیافه دادند و به مقامات و ثروت‌هایی رسیدند! در آن زمان یک عده از طلبه‌های بسیار متدین و علاقه‌مند به امام و انقلاب برای ترویج افکار انقلابی، کتاب «توحید» آشوری را که قاچاق بود، می‌آوردند و پخش می‌کردند. نام کتاب «توحید و ابعاد گوناگون آن» بود و مطالبش به ظاهر تفسیر قرآن و نویسنده آن هم یک فرد روحانی بود و می‌گفتند که او پیش فلان شخصیت هم درس خوانده. طبعاً کسی که می‌خواست درباره مسائل انقلابی اطلاعاتی داشته باشد، تشویق می‌شد که این کتاب را بخواند. یک نسخه از این کتاب به دست من افتاد. دو سه صفحه‌ای که خواندم، بُهت‌زده شدم که چه‌جور کسی جرأت می‌کند به نام دین چنین حرف‌هایی بزند و این حرف‌ها بین طلبه‌ها، آن هم در مدرسه‌ای که ما مسئولش هستیم، رواج پیدا کند؟ کتاب را دقیقاً مطالعه کردم و دیدم سراپا زهر است! کتابی بود با ادبیات فریبنده و جذاب برای جوان‌ها، اقتباس‌هایی از آثار نویسندگان آن روزها؛ ولی روحش تفسیر سمبلیک قرآن. عصرهای جمعه یک جلسه هفتگی در مدرسه داشتیم. من بسیار متأثّر بودم و در آن جلسه فریاد زدم و عمامه‌ام را به زمین زدم که ما در حوزه باشیم و عمامه سرمان باشد و

به نام روحانیت و به نام اسلام، چنین مطالبی پخش شود؟ این برخورد موجب گردید که عده‌ای نسبت به موضوع حساس شوند و الا قبل از این جریان، این کتاب به صورت بسیار عادی و به عنوان کتابی انقلابی مطرح می‌شد و طلبه‌ها گاهی از پول اندک خودشان و قربهٔ الی الله این کتاب را می‌خریدند و بین خودشان توزیع می‌کردند. بعد من پیگیری کردم و گفتند نویسنده این کتاب گاهی به قم می‌آید و در این‌جا جلساتی دارد و از دستگاه روحانیت سنتی و حتی از شیخ انصاری و امثالهم انتقاد می‌کند و زندگی زاهدانه‌ای هم دارد. آقای قرائتی می‌گفتند: «من شنیده بودم که او وقتی به مهمانی می‌رود، روی تشک نمی‌خوابد؛ حتی فرش را کنار می‌زند و روی زمین می‌خوابد. غذایش یک کف دست نان و کمی ماست است». به شدت تظاهر به زهد می‌کرد. در هرحال انتقاد از روحانیت، استراتژی مشترک این گروه‌ها بود؛ چون می‌دانستند که تا مردم تابع روحانیت باشند، نمی‌توانند افکار خودشان را قالب کنند و لذا باید روحانیت را کنار بزنند و آنها را از مردم جدا کنند، اگر روحانیت نقطه ضعفی دارد آن را درشت کنند، اگر هم ندارد جعل کنند و آنها را از چشم مردم بیندازند. طبیعی است که اگر کسی لباس روحانیت داشته باشد و علیه روحانیت حرف بزند، خیلی موفق‌تر خواهد بود تا مردم عادی. بعدها بنده از منابع مختلفی شنیدم که آقای آشوری با چریک‌های فدایی خلق ارتباط پیدا کرده است.»[1]

حجت‌الاسلام و المسلمین سید ابوالحسن نواب، در مراسم ترحیمی که برای آیت‌الله مصباح یزدی در دانشگاه برگزار کرد گفت: «... بنده که از سال ۱۳۵۳ تا کنون یعنی ۴۶ سال شاگرد، فرزند، همراه، قائم‌مقام، دوست و همراه ایشان بوده‌ام و هر کاری که ممکن است از یک همسفر و همراه برآید، در خدمت‌شان بودیم... امروز به رسم امانت و استقلال فکری که دارم، عرایضی را تقدیم می‌کنم که ان‌شاءالله دوستان در نشرش بکوشند، چون نشرش نیز بیان حقایق است..... من لحظه به لحظه همراه ایشان بودم؛ هیچ‌کس نمی‌تواند در این تردید کند. اطلاعیه‌ای خدمت ایشان به منزل‌شان آوردند. دامادشان آقای محمدی عراقی قبل از انقلاب شش بار به زندان افتاد. آخرین زندانش سه سال طول کشید. یک اطلاعیه آوردند که آقای مصباح در دفاع از زندانیان سیاسی امضا کنند. آقای مصباح اطلاعیه را خواندند و گفتند این اطلاعیه را اگر چریک‌های فدایی خلق هم نوشته بودند، همین‌طور می‌نوشتند. اگر می‌خواهید ما امضا کنیم، یک چیزی از اسلامیت در آن بیاورید. بگویید مثلاً اجازه بدهند زندانیان سیاسی نماز جماعت بخوانند. بگویید اجازه دهند کتاب‌های مذهبی داشته باشند. بگویید اجازه داشته باشند قرآن داشته باشند. یک چیزی که نشان بدهد یک روحانی این را امضا کرده است؛ نه این که یک اطلاعیه را امضا کنم که یک کلمه هم از اسلام در آن نیست. این، غمِ اسلامیت و غصه اسلام بود.»[2]

پانوشت‌ها:

۱- «زمینه تاثیر آنها را قبلی‌ها فراهم کردند» ماهنامه یادآور، شماره ۶ و ۷ و ۸ -تابستان، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹، ص ۱۹.

۲- «آیت‌الله مصباح یار غار حضرت امام بود: سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین سید ابوالحسن نواب در مراسم ترحیم آیت‌الله مصباح یزدی در دانشگاه ادیان و مذاهب»، https://urd.ac.ir/، چهارشنبه هفدهم دی‌ماه ۱۳۹۹. لینک کوتاه https://b۲n.ir/۰۰۱۱۹۵.

مناسبات جمهوریّت و اسلامیّت در انتخاب ولیّ فقیه- ۵۵

افشای تصمیم خبرگان و واکنش‌ها به آن

سید یاسر جبرائیلی

چند روز پس از انتشار خبر تصمیم خبرگان برای انتخاب قائم‌مقام رهبری، آقای هاشمی رفسنجانی نایب‌رئیس مجلس خبرگان و رئیس مجلس شورای اسلامی، در یک مصاحبه تلویزیونی به تشریح فلسفه این انتخاب و روند آن پرداخت و در رسانه‌ها با عنوان اعلام رسمی انتخاب آیت‌الله منتظری به‌عنوان رهبر آینده منعکس شد.[1]

امام خمینی(قدّس‌سرّه) امّا نهم آذرماه که به‌مناسبت میلاد حضرت رسول اکرم(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) با مسئولان نظام دیدار داشتند و نخستین دیدار عمومی‌شان پس از انتشار و اعلام رسمی خبر انتخاب آیت‌الله منتظری بود، و همچنین در دیدارهای عمومی پس از آن، هیچ اشاره‌ای به این موضوع نکردند.[2]

هفدهم آذرماه بیش از ۲۰۰ نماینده مجلس طیّ نامه‌ای به محضر امام(قدّس‌سرّه) که در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی نیز قرائت شد، انتخاب آیت‌الله منتظری را به ایشان تبریک گفته و از این انتخاب حمایت کردند.[3] امّا پاسخ امام(قدّس‌سرّه) همچنان سکوت بود. آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند امام(قدّس‌سرّه) حتّی در ملاقات‌های خصوصی خود با ایشان نیز در زمینه مخالفت خود با انتخاب آیت‌الله منتظری و پیامی که از طریق آقای محمّدی گیلانی به آقای هاشمی داده بودند، مطلبی نگفتند.[4]

به هر صورت، دفتر تحکیم وحدت برای برگزاری یک راه‌پیمایی سراسری و بیعت عمومی با آیت‌الله منتظری فراخوان داد و اعلام برنامه کرد؛ امّا به دلیل عدم استقبال عمومی، این برنامه لغو شد.[5] بلاتردید استقبال نشدن از این برنامه بیعت عمومی با آیت‌الله منتظری، این گزاره را که ایشان از طرف اکثریّت قاطع مردم به رهبری آینده پذیرفته شده بودند، با چالشی جدّی مواجه می‌کرد.

در سوی دیگر ماجرا، افشای تصمیم خبرگان و حوادث متعاقب آن، ماهیّت این تصمیم را از یک «آینده‌نگری درون سازمانی» عملاً به یک «نهادسازی جدید» در ساختار جمهوری اسلامی تغییر داد. اندک اندک بیت آیت‌الله منتظری، اطرافیان ایشان و برخی رسانه‌ها، عنوان «قائم‌مقام رهبری» را برای ایشان جعل کردند و عملاً جایگاهی در ذیل امام و صدر سایر ارگان‌های کشور برای آیت‌الله منتظری ایجاد شد. شعارهایی نظیر «قائم‌مقام رهبری، آیت حق منتظری» نیز اندک‌اندک فراگیر شد و به تثبیت این جایگاه کمک کرد. آیت‌الله خامنه‌ای درباره جا افتادن عنوان «قائم‌مقام رهبری» به‌جای «رهبری آینده» برای آیت‌الله منتظری می‌گویند: «آقای منتظری همان وقتی که اسم قائم‌مقام رهبری را هم نداشت، در همان کارهایی که از شئون امام و شئون رهبری است، خودسرانه دخالت می‌کرد؛ در دادگاه‌ها دخالت می‌کرد، در دانشگاه‌ها دخالت می‌کرد، نماینده می‌گذاشت، امام جمعه می‌گذاشت، برمی‌داشت، خیلی کارها می‌کرد دیگر.

طبعاً بعد از قضیّه جانشینی رهبری در آینده، این کارها از طرف ایشان یا شاید تعبیر درست‌تر این است که بگوییم از طرف آن تشکیلاتی که پشت سر ایشان بود و بیت ایشان، بیشتر و قوی‌تر شد.

لذا عملاً ایشان شد قائم‌مقام رهبری، یعنی منصب گرفت. در آن اوقاتی که یک مقدار اختلافاتی بر سر مسائل دولت بین مسئولین کشور و ایشان پیش آمده بود، گاهی هم بین ماها همین مطرح می‌شد که آخر ایشان به عنوان قائم‌مقام دارد عمل می‌کند با چه موضع قانونی؟! لکن روی این مسئله حسّاس نبودیم، چون فکر می‌کردیم که بالاخره اینها کارهایی است که در آینده در اختیار ایشان خواهد بود. قبلاً هم که ایشان از این کارها مقداری می‌کرده، حالا هم ادامه آن است. لذا خیلی حسّاس نبودیم.»[6]

به هر صورت آیت‌الله منتظری پس از تصمیم خبرگان بیش‌ازپیش در کانون توجّه قرار گرفت و کمّ‌وکیف مداخلاتش در امور کشور به شکل گسترده‌ای افزایش یافت؛ به‌گونه‌ای که در ادبیّات مسئولین سطوح مختلف نظام، نام ایشان همواره در کنار نام امام(قدّس‌سرّه) ذکر می‌شد و رهنمودهایشان مورد توجّه قرار می‌گرفت. آیت‌الله منتظری درباره میزان ارتباط خود با مسئولین کشور در این دوره می‌گویند: «آنها زیاد می‌آمدند این‌جا؛ رؤسای سه قوّه می‌آمدند، نخست‌وزیر می‌آمد، گاهی هیئت دولت همه می‌آمدند این‌جا نهار می‌خوردند، صحبت می‌کردند؛ خیلی چیزها را هم من به آنها پیغام می‌دادم، تلفنی با آنها صحبت می‌کردم. گاهی اوقات به ملاقات امام می‌رفتم، ولی خوب چون اشتغالات داشتم این ملاقات‌ها زیاد نبود. آقای دکتر رستمی[7] به من می‌گفت شما که الان قائم‌مقام رهبری هستید باید رخت‌خوابتان را همان‌جا در کنار امام بیندازید و همیشه آنجا باشید.»[8]

بیش از ۲۰۰ نماینده مجلس طیّ نامه‌ای به محضر امام(قدّس‌سرّه) که در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی نیز قرائت شد، انتخاب آیت‌الله منتظری را به ایشان تبریک گفته و از این انتخاب حمایت کردند. امّا پاسخ امام(قدّس‌سرّه) همچنان سکوت بود.

پانوشت‌ها:

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۹/۶

۲- صحیفه امام خمینی، ج ۱۹، ص ۴۳۲

۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۹/۱۸

۴- مرکز اسناد دفتر حفظ و نشر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(مدّظلّه‌العالی)

۵- مؤسّسه فرهنگی قدر ولایت، تاریخ انقلاب اسلامی: آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی تا عزل، ج ۶، صص ۲۳ _ ۲۲

۶- مرکز اسناد دفتر حفظ و نشر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(مدّظلّه‌العالی)

۷- از بستگان آیت‌الله منتظری

۸- حسینعلی منتظری، پیشین، ص ۴۸۷

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

۳۳۱۱۰۲۰۲ ۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۱۱۰۲۱۰ ۳۳۱۱۸۰۵۰

مرکز: ۳۳۱۱۸۰۵۲ ۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۱۱۲۱۹۵ ۳۳۱۱۲۱۹۳ ۳۳۱۱۲۲۹۱ ۳۳۱۱۳۰۸۵ ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ / شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ / اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ / چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ / شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ / مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ / شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق - غرب: شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ / ۶۵۲۲۲۹۳۳ / کرج ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ ۳۲۲۲۴۴۱۱ / دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

برگ سبز پراید نوک مدادی تیپ SX ۱۳۱ به شماره پلاک ۸۱۲ ص ۱۱- ایران ۷۷ شماره موتور ۴۵۱۳۶۸۰ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۹۰۰۶۳۷۹۱ مدل ۱۳۹۰ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۷۶۵۰۹۹۸۱ و ۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵

لوازم یدکی خودرو

خدمات شرکت‌ها

خدمات مسافرتی

برگ سبز و کارت مشخصات سواری‌هاچ بک سلیپا ۱۱۱SE به شماره انتظامی ۶۷۱س۴۸ ایران ۹۳ مدل ۹۵ موتور M ۱۳/۵۶۰۳۶۷۰ شاسی NAS ۱۱۰۰ ۴۳ G ۵۸۶۴۹۵۳ به نام سرور فتوحی دارابی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

مجوز حمل سلاح دو لول روهم بایکال ساخت روسیه به شماره ۱۱۲۷۲۰۵۷۱ بنام رضا جهان آرا فرزند علیرضا شماره ملی ۴۸۵۹۶۰۷۷۶۷ خرم‌آباد مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز کونیک دنده‌ای به رنگ سفید به شماره انتظامی ۴۱۸ن ۴۲ ایران ۱۹ و شماره موتور M۱۵/۸۸۸۴۹۵۶ و شماره شاسی NAS۸۴۱۱۰۰K۱۰۳۹۴۱۶ مفقود و به نام مژگان منوچهرآبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی و کارت مشخصات خودرو وانت آریسان PU۱ OHVG CNG به شماره پلاک ۷۱۱ ی ۲۴- ایران ۱۴ به رنگ سفید مدل ۱۳۹۵ و شماره موتور ۱۱۸J۵۰۰۰۳۴۷ و شماره شاسی NAAB۶۶PE۱GV۶۶۵۴۰۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودرو سمند ال‌ایکس مدل ۹۰ به رنگ آبی کبود متالیک شماره شاسی NAAC۹۱CC۶CF۸۸۴۷۵۰ و شماره موتور ۱۲۴۹۰۲۱۸۴۴۵ متعلق به آقای حجت مرادنژاد مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

خانم لیندا بی‌پروایی خیابانی فرزند مجتبی (مجهول‌المکان) همسر شما برابر دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۱۸۰۴۷۷۳۲ و پرونده شماره ۱۴۰۱۶۸۹۲۰۰۰۴۵۶۱۶۹۲ از شعبه ۲۵۴ خانواده یک تهران تقاضای ثبت طلاق نموده است. لذا لازم است ظرف مدت یک هفته پس از انتشار این آگهی با در دست داشتن اصل شناسنامه در این دفتر به آدرس: تهران خیابان دامپزشکی کوچه محمدی مخبر بن‌بست شاملو پلاک ۲ حاضر شوید در غیر این‌صورت طبق مقررات اقدام به ثبت خواهد شد و اعتراض بعدی مسموع نخواهد بود.
سردفتر طلاق ۹۳ تهران- سیدمهدی حسینی

بنایی و خدمات ساختمانی

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ -۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

اخذ اقامت دبی، ثبت شرکت و اخذ ID کارت دبی ظرف مدت ۲۰ روز.
۰۹۱۷۱۱۹۱۳۰۳
۰۹۱۷۵۰۲۶۸۵۲

آلمان +ایتالیا
هر سفارشی دارید با ما تماس بگیرید
۸۸۷۵۳۷۴۹
۰۹۱۲۳۵۴۵۰۶۱

اصل پروانه حمل سلاح شکاری ساچمه‌زنی تک‌لول تپ‌ر به شماره سریال ۲۶۸۶۷۸۷ متعلق به آقای حسین موسی‌لو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز (سند مالکیت) سواری پراید جی‌تی‌ایکس ای مدل ۱۳۸۳ به شماره پلاک ۹۷۹ی۸۳ ایران ۲۳ و شماره موتور ۰۰۸۸۸۴۲۷ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۳۲۸۱۴۵۴ به نام علی حاج‌هاشمی به کد ملی ۱۹۷۲۱۸۵۹۲۶ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است.زرین شهر

آگهی انتخاب مدیرعامل
شرکت تعاونی مسکن مهر فرهنگیان ناحیه یک قزوین در نظر دارد براساس مصوبه مورخ ۲۹ مهر ۱۴۰۲ هیئت مدیره در راستای شایسته‌سالاری، کلیه افراد متقاضی به‌تصدی سِمت مدیرعاملی که واجد شرایط آیین نامه وظایف و اختیارات مدیرعامل تعاونی مصوب ۲۴ مرداد ماه ۱۴۰۱ هستند رزومه کاری خود را ظرف مدت هفت روز کاری از تاریخ انتشار این آگهی به آدرس دفتر تعاونی مسکن مهر فرهنگیان ناحیه یک واقع در شهر قزوین، انتهای بلوار حکیم، روبه‌روی بلوار حج پروژه دوقلوی فرهنگیان برج جنوبی (شماره تماس ۰۲۸۳۳۶۹۲۶۴۴) ارسال نمایند. ضمنا انتخاب نهائی براساس سوابق تجربی، علمی و ارزیابی‌های فنی و تخصصی توسط هیئت مدیره تعاونی مسکن مهر فرهنگیان ناحیه یک قزوین خواهد بود و مدیرعامل منتخب ملزم به ارائه تضمین‌های مناسب خواهد بود. شرکت تعاونی در رد یک یا تمامی پیشنهادها مختار خواهد بود.
هیئت مدیره تعاونی مسکن مهر فرهنگیان ناحیه یک قزوین

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده نوبت دوم تعاونی تولید و توزیع کارکنان بازرگانی دولتی ایران
بدینوسیله از کلیه سهامداران دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۵ راس ساعت ۱۴ در نمازخانه ساختمان شماره ۲ بازرگانی دولتی واقع در خیابان فاطمی روبروی اداره آب حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیات مدیره و بازرس ۲- رسیدگی و تصویب صورتهای مالی ۱۴۰۱ و بودجه ۱۴۰۲ و تقسیم سود احتمالی و پاداش هیات مدیره و کارکنان ۳- طرح و تصویب تغییرات سرمایه ۴- انتخاب هیات مدیره و بازرس شرکت.
یادآوری می‌شود اعضایی که قادر به حضور در مجمع نمی‌باشند می‌توانند حق رای خود را به صورت وکالتی(هر عضو ۳ نفر و غیر عضو ۱ نفر) تا ۴۸ ساعت قبل از مجمع به دفتر شرکت تحویل دهند.
هیات مدیره

بنایی و خدمات ساختمانی

خانه باغ
۸۰۰متر حومه شهر آمل فول
۰۹۱۹۶۵۷۹۵۵۰

ویلا نوساز
با سند تک برگ
۲۷۰متر آمل
۰۹۱۹۶۵۷۹۵۵۰

«املاک سان»
خرید و فروش ویلا- زمین
پیمانکاری ساختمان
مشارکت ساخت
مازندران نوشهر، سی‌سنگان
۰۹۱۱۱۹۳۲۷۳۴
۰۹۱۲۰۱۳۵۵۴۸

تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴ -۰۹۱۲۷۲۸۳۹۸۲

دفتر فنی مهندسی عدالت تهران
خدمات چاه لوله سراسر تهران
شبانه‌روزی ارزانتر از همه جا
۰۹۱۹۳۰۷۸۷۳۳

پیمانکاری ساختمانی اسکندری
انجام کلیه امور نقاشی ساختمان و تعمیرات
ارزان فوری عالی
۰۹۱۲۳۶۴۷۹۱۶

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

آگهی‌های مفقودی

کارت هوشمند ناوگان مسافربری مربوط به مینی بوس بنز ۳۰۹ مدل ۱۳۵۴ به رنگ آبی به شماره انتظامی ۸۹۵ ع ۸۴ ایران ۵۵ و شمار موتور ۰۱۶۳۸۴ و شماره شاسی ۰۲۵۶۵۱ بنام آرزو اصلانی به شماره ملی ۴۰۱۱۷۷۸۱۴۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت ماشین وبرگ سبز خودرو سواری پژو تیپ ۲۰۶ به رنگ نوک نقره ای- متالیک مدل ۱۳۸۲ به شماره موتور ۱۰FSE۳۳۸۸۰۴۴۴ و شماره شاسی ۸۱۶۳۴۶۹۷ به شماره پلاک ۸۵۶ ب ۶۸ ایران ۴۷ به نام آقای مهدی مشرفی به کد ملی ۰۵۳۳۸۹۸۰۴۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند مالکیت) و سند کمپانی و ضمایم سواری پراید صبا جی‌تی ایکس مدل ۱۳۸۱ به شماره پلاک ۶۳۷ ی ۳۵ ایران۲۳ و شماره موتور M۱۳۳۳۷۱۸۴ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۱۸۰۲۸۷۲ به نام محسن رجبی بیستگانی به کد ملی ۱۱۷۱۲۸۸۷۸۶ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است.زرین شهر

برگ سبز (سند مالکیت) سواری پژو ۲۰۶هاچ بک مدل ۱۳۸۳ به شماره پلاک ۶۱۳ص۳۹ ایران ۷۱ وشماره موتور۱۴۸۱۸۱۲۳FSs وشماره شاسی ۸۳۶۴۵۶۴۰ به نام پارسا کرمی به کد ملی ۱۲۷۵۷۲۷۹۲۱ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است.زرین شهر

برگ سبز خودرو پراید مدل ۸۸ به شماره انتظامی ۷۵۲ ب ۷۲- ایران ۴۱ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۸۲۹۶۷۹۸ و شماره موتور ۳۰۳۲۵۹۴ مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۲

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۳۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۸/۰۰۰/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۹۶/۰۰۰/۰۰۰	۴۸/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۰۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۹۶/۰۰۰/۰۰۰	۴۸/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۰۰۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۱۶/۶۴۰/۰۰۰	۸/۳۲۰/۰۰۰	۴/۱۶۰/۰۰۰
مجله زن روز	۱۶/۶۴۰/۰۰۰	۸/۳۲۰/۰۰۰	۴/۱۶۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۸/۳۲۰/۰۰۰	۴/۱۶۰/۰۰۰	۲/۰۸۰/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۱/۲۸۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام قرار داده به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس:.....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲-۰۲۱ امور مشترکین موسسه کیهان

ویژه‌نامه تخصصی خودرو با مطالبی متنوع و کاربردی ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی‌های شما